



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

جلوه‌های جرایم علیه عدالت قضایی در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (مطالعه موردی: مرحله کشف جرم)

ابراهیم قربانی^{۱*}، سجاد عباسی^۲، علی براهمی آغلاغ^۳

۱. دکتری تخصصی حقوق کیفری جزا و جرم‌شناسی.

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دادستانی نظامی مهاباد.

۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.

چکیده

یکی از خواستها و آمال مشترک انسانیت، عدالت و دادپوری است. عدالتی که اصحاب دعوی در راستای طرح دعوای مختلف، از مراجع ذی صلاح قضایی انتظار تحقق آن را دارند. دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه از سوی مقامها و مراجع قضایی به هیچ‌وجه به معنای درنظر گرفتن طرفین دعوی نخواهد بود و این ارافق غیرمنطقی و عقلایی به متهم یا بزهده دیه نیست، بلکه بدین معناست که جامعه به این حد از عقلانیت و توانایی رسیده که هدف غایی و نهایی از تصویب قوانین را که همانا ایجاد عدالت و توسعه آن و پاسداری از حقوق طرفین دعوی باشد، درک کرده است و حاضر به تمکین از نادیده انگاشتن حقوق طرفین دعوی که به معنای پیروی از دادرسی‌های ناعادلانه است، نمی‌باشد. بدیهی است هر عملی که به قصد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گیرد و این قابلیت را داشته باشد که تحقیق عدالت قضایی را ناممکن سازد و یا موجب انحراف دادرسی گردد، جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که اگرچه مفنن ایرانی همانند سایر مجموعه قوانین کیفری در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صورت دقیق، صریح و مستقل از عنوان رفتارهای علیه عدالت قضایی اسم نبرده است، اما با مطالعه آن قانون محزز می‌شود که در مراحل مختلف رسیدگی - از جمله مرحله کشف جرم - به آن پرداخته است. از باب تمثیل می‌توان به تعقیب یا بازداشت غیرقانونی، منع آگاهی به موقع متهم از ادلۀ اتهام انتسابی، اطلاع از حق دسترسی متهم به وکیل، رعایت حریم خصوصی کیفری ۱۳۹۲، کشف جرم، عدالت، شهروندان و احترام به حیثیت آنان اشاره کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۱-۵۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: XH-۷۸۷۷-۰۳-۰۳-۴۳۰-۰۰۰-۰۰۰-

تلفن: ۰۹۸۹۱۴۴۴۴۴۴۰

ایمیل: ghorbani9@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت قضایی، قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، کشف جرم، عدالت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

^۹ و اهمیت فوق العاده و چشمگیر آن و تأثیر این جرایم در اجرای عدالت و دادرسی، می‌طلبد که در یک عنوان مستقل با عنوان «جرائم علیه عدالت قضایی» در مجموعه قوانین کیفری مورد بررسی قرار گیرند.

قانون آئین دادرسی کیفری یکی از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشوری بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. بالطبع در راستای اجرای آن امکان عدول از مقررات از سوی متهم، بزهده، شهود، مراجع و مقامات ذی‌ربط و حتی اشخاص خارج از پرونده وجود داشته و چهبسا در این بین اشخاص مرتکب جرایمی شوند که در روند اجرای عدالت اخلال ایجاد می‌کنند و همین مسأله موجب تحقق جریم علیه عدالت قضایی شوند. نظر به تعریف ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از آئین دادرسی کیفری و اشاره به مراحل مختلف دادرسی، می‌توان گفت مرحله کشف جرم یکی از مراحل مهم و کلیدی در رسیدگی‌های کیفری به‌شمار می‌آید که دقت و موشکافی در این مرحله، مهم و با ارزش تلقی می‌شود و سستی و اغماض در آن، موجب عدم کشف قضیه و بزه شده و همین مسأله سبب تتحقق جرایم علیه عدالت قضایی می‌شوند. ازین‌رو با توجه به مسائل مذکور، به‌دلیل دست‌یابی به این پرسش اساسی هستیم که ارتکاب کدام رفتار یا رفتارها در مرحله کشف جرم در قانون جدید آئین دادرسی کیفری به‌عنوان مصاديق جرایم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شوند؟ و اساساً دلیل جرم انگاشتن این قبیل رفتارها در مرحله کشف جرم چیست؟

۲- موضع نظام حقوقی ایران در قبال جرایم علیه عدالت قضایی

پژواخ است که جرایم علیه اجرای عدالت قضایی، اگرچه عنوان جدید در قوانین کیفری کشورهای مختلف در سده حاضر است و اگر هم خلاف آن باشد، حداقل در گفتمان‌های حقوقی و نظریات دکترین به کار برده می‌شود. اما در حقیقت این عبارت سابقه‌ای کهنه در قوانین مختلف داشته و غالباً کشورها از گذشته‌های دور به جرم‌انگاری آن دسته از رفتارها و اقداماتی که وجود آن‌ها به معنای اخلال در رسیدن قضايان است و بوده، اقدام کرده‌اند. عدالت مقصود نهایی تمامی قوانین است و اگرچه در لفظ زیباست، اما در عمل و اجرا بسیار سنگین می‌باشد و ظلم اگرچه در واژه زشت است، اما در عمل سهل و

۱- مقدمه

به جرأت می‌توان ابراز داشت که یکی از مهم‌ترین اهداف قانون-گذاری در هر نظام حقوقی بعد از تدوین و تصویب قوانین، اجرای عدالت و احقة حق، در مقام قضاؤت و دادرسی است، که از آن به «عدالت قضایی» تعبیر می‌شود. با این وجود همواره در مسیر اجرای عدالت، موانع وجود داشته که نه تنها موجب انحراف مسیر عدالت قضایی بوده، بلکه سبب گسترش هرج‌ومرج، بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی، رواج انتقام خصوصی و موارد متعدد دیگر شده است. ازین‌رو مقتن برای جلوگیری از به‌وجود آمدن این موانع و حاکمیت عدالت قضایی در جامعه، دست به جرم‌انگاری این موانع زده و برای مرتكبان این اعمال، مجازات‌هایی را در لابلای قوانین مختلف کیفری تعیین کرده است. اصل مصلحت عمومی، اصل ضرر و اصل اجرای عدالت از مهم‌ترین مبانی و اصولی است که می‌توان در توجیه جرم‌انگاری این دسته از جرایم به آن استناد نمود. همچنین قصد ایجاد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی را می‌توان به‌عنوان معیار و ضابطه تشخیص این جرایم معرفی کرد.

بررسی و بازنگری اوراق تاریخ بیانگر این امر مهم است که عدالت آرزوی تمامی انسان‌ها و به‌عنوان یکی از اصول و ارزش‌های عالی آن‌ها قلمداد شده که جدای از ادیان و شرایع گوناگون، در نظام‌های مختلف حقوقی و اسناد مهم بین‌المللی (از جمله کنوانسیون مقابله با فساد (مریدا مصوب ۲۰۰۳) در ماده ۱۵، اساسنامه دادگاه جنایی بین‌المللی رم (مصطفوب ۱۹۹۸) در ماده ۷۰ و ۷۱ و کنوانسیون پالرمو (مصطفوب ۲۰۰۱) در ماده ۲۳ هم بر رعایت و کرامت آن تأکیده شده است. عدالت قضایی یعنی رسیدگی منصفانه، بی‌طرفانه و ضابطه‌مند به دعوا و تظلمات و جرایم توسط مقامات قضایی (پروینی، ۱۳۸۸: ۲۲).^{۱۰} به‌بیان دیگر، به معنای تأمین حقوق مكتتبه افراد و برخورداری آن‌ها از حقوق واحد در رسیدگی قضایی و اعمال قانون واحد در جامعه است (ذاکر، ۱۳۹۱: ۱۶۶). به‌طورکلی جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعلی دارد که به گونه‌ای مانع تتحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند (کوشان، ۱۳۸۱: ۱۴).

پیشرفت و پیشبرد جوامع در عرصه‌های مختلف، سبب ظهور جرایم نوظهور (جرائم علیه محیط‌زیست، جرایم اقتصادی و...) شده که این جرایم خارج از تقسیم‌بندی کلاسیک، مطرح و متداول حقوق کیفری اختصاصی هستند (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۹) و جزء جرایم حقوق جزای خاص (فنی) می‌باشند (بیگی، ۱۳۹۹: ۱۳۹۹).

بنابراین ما در ذیل به بررسی مصادیق رفتارهایی که سبب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله کشف جرم می‌شوند، می‌پردازیم.

۱-۳- تعقیب یا مجرم تلقی نمودن یا بازداشت غیرقانونی
اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل مترقی جهان محسوب کرد، در یکی دو قرن اخیر و بهطور خاص پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی قرار گرفته (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰) و مضمون آن این است که مقام تعقیب، وظیفه اثبات تمام عناصر یک اتهام را مواری شک و تردید معقول بر عهده دارد و در واقع یک اصل مقدس قانونی است علاوه‌بر آنکه تأثیر گسترده‌ای بر تحقق عدالت قضایی و رعایت حقوق بشر داشته، موجب می‌شود که شخص را نسبت به اتهام یا جرمی که به ارتکاب آن در مظان اتهام قرار گرفته است، بی- گناه تلقی کرد.

بدیهی است که تحقیق و رسیدگی درباره یک جرم، مستلزم کشف آن می‌باشد و برای کشف جرم ممکن است افرادی تحت نظر قرار گیرند، مورد بازرسی واقع شوند و از نظر هویت کنترل گردند. یکی از آثار اصل برائت این است که با افراد تا اثبات جرم در یک دادگاه صالح، مانند سایر شهروندان برخورد شود (ظاهری‌تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). بنابراین توقيف و تفییش اشخاص، مغایر با اصل برائت است و باید تابع تشریفات خاصی باشد. اصل منع توقيف اشخاص در اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده نه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۹ اعلام می‌دارد: «احدى نمى تواند خودسرانه توقيف، حبس یا تبعيد شود.» همچنین این اعلامیه در ماده سه خود اعلام می‌دارد: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» می‌دانیم که یکی از لوازم داشتن آزادی و امنیت شخصی، منع بازرسی‌های بدنی، توقيف و عدم کنترل هویت اشخاص است و منع بازرسی و تجسس در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است: «احدى در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قرار گیرد.» همچنین ماده ۱۳ اعلامیه اعلام می‌دارد که: «هرکس حق دارد

راهی برای رسیدن سریع به خواسته‌های نابهجه است (پاشاصالح، ۱۳۸۳: ۹۳). در حقوق ایران نیز اگرچه در قوانین کیفری به صورت مستقل به جرایم عدالت قضایی پرداخته نشده، ولی مقتن از این امر مهم هم غافل نبوده و در لابه‌لای قوانین، با درنظر گرفتن موادی به کیفر اشخاصی که در راه برقراری عدالت و اجرای آن در مراحل مختلف دادرسی و از جمله کشف جرم مانع ایجاد می‌کنند، اشاره نموده است. به طور کلی قانون‌گذار سعی بر آن داشته تا بدین طریق رفتارهایی را که موجب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی می‌شوند شناسایی و ضمانتهای اجرایی لازم را هم برای اشخاصی که مرتکب این قبیل رفتارها می‌شوند، در نظر بگیرد.

۳- بررسی مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی ناظر بر مرحله کشف جرم در قانون آئین دادرسی کیفری
یکی از مراحل مهم در دادرسی‌های کیفری به معنی اعم کلمه، مرحله کشف جرم است. کشف جرم یکی از مراحل مهمی است که در همه جوامع جهانی به آن اهمیت داده می‌شود؛ چراکه اگر جرمی کشف نشود و مجرم بتواند عمل مجرمانه خود را مخفی نگه دارد، عدالت قضایی از بین رفته و کم کم جرایم پنهان جامعه را فرا می‌گیرد. بنابراین این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند و ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند (رضوی و خزایی، ۱۳۸۶: ۸۹). در مورد اهمیت آئین دادرسی بسیاری از نظامهای حقوقی دنیا مانند نظام حقوقی عربی، بر این عقیده استوار هستند که برای دستیابی به عدالت قضایی، به قاضی فقط آئین دادرسی بیاموزید، او خود را حل عادلانه را فرا خواهد گرفت (اعتدال، ۱۳۷۷: ۲).

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ به این مرحله مهم بیش از پیش اهمیت داده شده و قانون‌گذار همانند سابق در فکر القای این تفکر مهم بوده که چرخه عدالت کیفری با کشف دقیق جرایم به حرکت درخواهد آمد (آخوندی، ۱۳۸۰: ۵۳) و از این‌رو ما باید سعی بر آن داشته باشیم که با بررسی دقیق، خاطه‌مند و بدون اغمض به کشف جرایم و حقیقت پردازیم تا عدالت قضایی در جامعه به نحو احسن تحقق و چرخه عدالت تا نتیجه نهایی که یا به مجازات مجرم و یا برائت متهمنی انجامد، بدون دلیل قانونی و مشروع از حرکت باز نماند و چنانچه شخص یا اشخاصی مانع این امر مهم شوند، مرتکب جرایم علیه عدالت قضایی شده و باید به مجازات قانونی برسند.

آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفہیم شود و حق ندارند متهم را بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر داشته باشند. اگر خلاف این امر اثبات گردد و آن‌ها هریک از موارد مذکور در ماده مزبور را انجام ندهند و یا وی را بیش از ۲۴ ساعت بازداشت کنند، سبب تحقق جرایم علیه عدالت قضایی شده و قانون‌گذار ضمانت اجرایی چنین عملی را در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی^۶ ۱۳۷۵ مشخص کرده است.

۳-۲- منع آگاهی فوری متهم از ادله اتهام انتسابی

آگاهی متهم از موضوع و دلایل اتهام یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم در تمام مراحل رسیدگی‌های کیفری به شمار می‌رود و علاوه‌بر اینکه تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای بر شناسایی چنین حقی تأکید شده است (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۴۲)، حقوق داخلی کشورمان نیز به صراحت در قوانین مدون خویش به رعایت آن پرداخته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۲ اشعار داشته که دستگیری اشخاص بدون حکم و رعایت مقررات قانونی ممنوع می‌باشد و در واقع جرم تلقی شده است و اگر هم مقامات و مراجع ذی‌ربط نسبت به بازداشت اشخاصی با عنوان متهم اقدام کردن، باید به سرعت موضوع اتهام و دلایل آن به شخص مغلوب ابلاغ شود. مفاد ماده پنج قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۷ هم بیانگر این امر مهم می‌باشد، بدین معنی که اگر در مرحله‌ی کشف جرم شخصی بنا به دلایلی بازداشت شود باید فوراً دلیل آن به وی اعلام گردد، در غیر این

۶- ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی: «هریک از مقامات و مأموران دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق در قانون اساسی محروم کند، علاوه‌بر انفال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۷- اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله کتابی به متهم ابلاغ و تفہیم شود و حداقل طرف مدت بیست‌وچهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متفاوت از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۸- ماده ۵ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.»

که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.» براساس اصل ۳۷ قانون اساسی^۸ کشورمان اصل بر برائت اشخاص می‌باشد و طبق اصل ۲۲ همان قانون^۹ «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است» و مطابق اصل ۳۲ قانون مزبور^{۱۰} هیچ کس را مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند نمی‌توان دستگیر کرد. مفنن در ماده چهار قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^{۱۱}، مبانی اصول متعالی قانون اساسی را مجدداً در یک قانون شکلی مورد تأکید قرار داده است و باز بنا بر برائت متهم قرار داده و اقدامات خودسرانه و بدون وجود دلیل یا حکم قانونی را که منجر به سلب آزادی اشخاص می‌شود، منع نموده است. چهبسا در بسیاری از موارد مراجع انتظامی یا سایر مقامات و مراجع ذی‌ربط در مرحله کشف جرم و در راستای اثبات ارتكاب جرم، اقدام به بازداشت غیرقانونی اشخاصی کنند که همین عمل موجب عدم تحقق عدالت قضایی و تتحقق جرایم علیه عدالت قضایی شود. همچنین براساس ماده ۴۶ همین قانون^{۱۲}، ضابطان در صورت نقص تحقیقات، مکلفاند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل

۱- اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.»

۲- اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

۳- اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله کتابی به متهم ابلاغ و تفہیم شود و حداقل طرف مدت بیست‌وچهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متفاوت از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

۴- ماده چهار قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

۵- ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مکلفاند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفہیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست‌وچهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»

آگاهی متهم از موازین قانونی و حقوقی حضور شخصی با اطلاعات و تجارب حقوقی در جهت رفع اتهامات ناروا علیه متهم را در مرحله حساسی همچون کشف جرم بهطور اعم و بازجویی‌ها بهطور اخص الزامی می‌کند؛ چراکه ضابطان دادگستری در این مرحله دارای اختیارات وسیعی هستند و حضور وکیل متهم نه تنها از سوءاستفاده مأموران از اختیارات خود در جمع‌آوری دلایل غیراصولی علیه متهم بی‌گناه و ناگاه از قانون جلوگیری می‌کند، بلکه مانع از اظهارات ناسنجیده متهم علیه خود نسبت به موضوع جرم می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۴۴۶، به نقل از باقری نسب، ۱۳۹۳).

قانون آئین دادرسی کیفری جدید در ماده پنجم مقرر داشته است که متهم علاوه‌بر اینکه در اسرع وقت از ادله انتسابی اتهام خویش مطلع شود، باید از حق دسترسی به وکیل نیز آگاه گردد. به نظر می‌رسد مبنی، آگاه کردن شخص متهم را از سوی مراجع و مقامات ذی‌ربط و مرتبط با مرحله کشف جرم ضروری و الزامی دانسته است؛ چراکه عدم انجام این اوامر بهمنزله محروم ساختن وی از حقوق بنيادین وی در قانون اساسی بوده و مرتكب باید وفق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به مجازات مقرره محکوم شود.

۳-۴- قبول نکردن شکایت کتبی یا شفاهی شاکی از سوی ضابطان دادگستری

قانون اساسی در اصل ۳۴ به دادخواهی به عنوان حق مسلم هر شخص نگاه کرده و تأکید بر قبول شکایت و دعاوى مردم در مراجع مختلف ذی‌صلاح داشته است و به تبع آن قانون آئین دادرسی کیفری جدید هم در ماده ۳۷ خود، ضابطان دادگستری را مکلف نموده که در تمامی اوقات شکایت مردم را چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی را قبول کنند. نگاه قانون آئین دادرسی کیفری جدید نگاه درست و به جایی است،

۲- اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعته به آن را دارد، منع کرد».

۳- ماده ۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری موظف‌اند شکایت کتبی یا شفاهی را هموقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به‌امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انتطاق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلف‌اند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسیده تحويل دهنده و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند».

صورت عمل ارتکابی هم‌طراز است با محرومیت شخص از حقوق مقرر در قانون اساسی و این به‌منزله تحقق جرایم علیه عدالت قضایی خواهد بود و مرتكب یا مرتكبان وفق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات خواهد شد.

۳-۳- حق دسترسی متهم به وکیل

اصل تساوی سلاح‌ها در مراحل مختلف دادرسی و از جمله لحظه کشف جرم ایجاد می‌کند که وکیل از آن مرحله در کنار متهم بوده تا با تسلط و بررسی دقیق موضوع به دفاع از متهم در مقابل دادستان و سایر مقامات پیروزد. چه‌بسا اگر وکیل از مرحله کشف در جریان پرونده باشد، جلوی بسیاری از موارد نادیده انگاشتن حقوق متهم گرفته شود و ممانعت ایجاد نماید در حادث شدن جرایم علیه عدالت قضایی.

در قوانین داخلی کشورمان در اصل ۳۵ قانون اساسی^۱ گفته شده انتخاب وکیل برای متهمان در تمامی دادگاه‌ها الزامی است و اگر متهم توانایی برای انتخاب کردن وکیل را نداشته باشد، باید سازوکار لازم برای آن مهیا شود. بر همگان هویداست که قانون اساسی برترین قانون می‌باشد و هیچ‌یک از قوانین و مقررات نباید در تضاد با آن باشد. این اصل عام است و در مورد همه دادگاه‌ها صادق می‌باشد. تفاوتی بین دادگاه‌های عمومی و اختصاصی و دادگاه‌های حقوقی و کیفری وجود ندارد و تفاوتی هم بین محکومان عادی و محکومان جرایم علیه امنیت ملی و به اصطلاح عامله مردم مجرمان سیاسی نیست. همه متهمان باید حق دسترسی به وکیل را داشته باشند. این حق به‌دلیل اهمیت آن در بنده سه ماده واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده است که: «محاکم و دادسراها مکلف‌اند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند».

از وکیل و قاضی به عنوان دو فرشته عدالت یاد می‌شود، زیرا وکیل به قاضی برای کشف حقیقت کمک می‌کند و همچنین به متهم برای دفاع از حقوق خود یاری می‌رساند. بنابراین حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی الزامی به‌نظر می‌رسد به‌خصوص در دادگاه‌های کیفری که حیثیت و جان و آبروی افراد در میان است و حضور وکیل ضروری‌تر است. ضعف

۱- اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود».

اطلاعات هویتی شهود حاضر در پرونده اقدام کند و متهم در این زمینه با سازوکارهای مختلف از تطییع گرفته تا تهدید، شهود را راضی کند که حاضر به ادای شهادت نباشد، مجرم تلقی شده است و اتهام وی می‌تواند اخلال در اجرای عدالت قضایی باشد و براساس ماده ۶۳ همین قانون مجاز است.

۶-۳- عدم ثبت اظهارات شخص تحت نظر و علت و زمان آن در دفتر خاص

مقنن برابر مفاد ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۳، ضابطان دادگستری را مکلف کرده که در هر صورت جهت تحقق عدالت قضایی، تمام اظهارات شخص متهم و دلیل تحت نظر بودن وی را با تمام جزئیات مانند: تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی و زمان استراحت، زمان و ایام حاضر کردن وی در نزد مقام قضایی را به صورت دقیق در دفتر مخصوصی که باید برای چنین مواردی در نظر گرفته شده است، ثبت کنند. همان‌گونه که انجام چنین مواردی به دادرسی عادلانه کمک شایانی می‌کند، عدم انجام آن نیز سبب لطمہ زدن به جریان و پروسه دادرسی عادلانه خواهد شد. از این‌رو اشخاصی که خلاف این مقررات عمل نمایند مجرم تلقی خواهند شد و طبق ماده ۶۳ همین قانون به کیفر قانونی خواهند رسید.

۶-۴- عدم انجام اقدامات لازم جهت حفظ آلات، ادوات، آثار و ادله و قوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم

کیفیت جمع‌آوری دلایل، به عنوان وسایلی که قانوناً بتوانند وجود یا عدم وجود یک واقعه و صحت یا عدم صحت یک موضوع را مورد تأیید قرار دهند، از مهم‌ترین مسائل آئین دادرسی کیفری در حقوق تمامی کشورها است. در واقع هیچ‌گاه بدون وجود دلیل نمی‌توان انتساب اتهام را احراز کرد و درنتیجه به اعمال کیفر پرداخت (گلدوزیان، ۱۳۶۵). حفظ آلات و ادوات جرم از جمله مسائل بسیار مهمی است که باید به دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ زیرا کوچک‌ترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجبات تحقق جرایم علیه عدالت قضایی را فراهم می‌کند.

^۳- ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلف‌اند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».

چهbsا اگر غیر از این باشد امکان دارد بسیاری از جرایم کشف نشده و متهم یا متهمان به مجازات قانونی خویش نرسند. به‌هرحال با توجه به اینکه یکی از راههای کشف جرایم، شکایت شاکی است. ضابطان مکلف به پذیرش شکایت وی هستند و اگر هم در این بین شخصی از ضابطان خلاف این اصل مهتم و بالرغم را انجام دهد، بالطبع در مسیر اجرای عدالت قضایی اخلال ایجاد کرده و بر همین اساس وفق مفاد ماده ۶۳ همین قانون^۱ به‌دلیل ارتکاب جرایم علیه عدالت قضایی به مجازات مقرره محکوم خواهد شد.

۶-۵- افشای اطلاعات هویتی و اقامتی بزه‌دیده، شهود مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده

یکی از نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مربوط به حمایت‌های منطقی و عقلایی از بزه‌دیده و شهود در مقابل متهم پرونده است. در ادوار قدیم در بسیاری از موارد جرایم مختلف هیچ‌گاه کشف نشده و به بوته فراموشی سپرده می‌شدن. یکی از آن دلایل که تأثیر بهسازی هم درخصوص مخفی ماندن جرم موردنظر داشت، این بود که اغلب بزه‌دیده از ترس متهم هیچ‌گاه به طرح دعوى اقدام نمی‌نمود و بدین‌سان جرم ارتکابی هم کشف نمی‌شد و یا اگر هم در مواردی بزه‌دیده اقدام به طرح شکایت می‌کرد و ادله اثبات ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم، تنها شهادت شهود بود. به‌دلیل عدم حمایت‌های قانونی، شهود حاضر به ادای شهادت نمی‌شند و بدین‌سان جرم موردنظر ثابت نمی‌شود.

قانون آئین دادرسی کیفری با تصویب ماده ۴۰^۲ و درنظر گرفتن جنبه‌های حمایتی از بزه‌دیده، شهود و حتی سایر افراد مرتبط با پرونده به این مسئله پایان داده است و بدین‌شكل جهت برقراری و اجرای عدالت قضایی همه افراد و بهخصوص ضابطان دادگستری را مکلف به حفظ اطلاعات هویتی و اقامتی قربانی جرم، شهود و مطلعان نموده است و عدم انجام این عمل را هم طراز با تحقق جرایم علیه عدالت قضایی دانسته است. از این‌رو اگر یکی از اعضای ضابطان دادگستری نسبت به افشای

^۱- ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تختلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۰)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۴)، (۵۵) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی است».

^۲- ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است».

اطلاعات و دستیابی به فناوری‌های نوین، مباحثت دقیقی مطرح شده است. رعایت حریم خصوصی متهم و عدم دخالت در امور داخلی او [لازم است] و کنکاش در مورد مسائلی که با جرم ارتباطی ندارند و یا سوابقی از فرد که اطلاع از آن‌ها به عنوان اهرم فشار عليه او محسوب می‌شود، در قوانین نهی شده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۷ و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بند ب ماده ۱۸، متفقاً تجاوز به حریم خصوصی افراد را منوع اعلام کرده‌اند (رحمتی، ۱۳۸۴: ۱۵).

در قوانین موضوعه ایران هم بر ضرورت احترام به حریم خصوصی و حیثیت افراد تأکید شده است. در این خصوص برای می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اصل ۲۲ قانون اساسی ابراز داشته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعریف مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». اصل ۳۹ قانون اساسی مقرر داشته: «هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به‌هر صورت که باشد منمنع و موجب مجازات است». بندهای ۴ و ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بازرگانی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم باید با رعایت مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعریف نسبت به استناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشاءی مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی-مورد آن‌ها خودداری شود. مواد ۵۵ و ۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری^۳ مصوب ۱۳۹۲ هم به این موضوعات مهم و خطیر اشاره و تأکید نموده که هر متهمی حق دارد بداند که هیچ‌یک از ضابطان دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند وارد منزل او شده و آنچه را بازرگانی و تفتیش کنند و اگر هم قرار است این عملیات را انجام بدهند، نخست با اجازه موردى مقام قضایی باشد و دوم از

^۳- ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفییش آنها، همچنین بازرگانی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردى مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را بهطور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»

ماده ۵۶ همان قانون: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرگانی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.»

در قوانین مختلف و بهخصوص قانون آئین دادرسی کیفری جدید به لزوم انجام اقدامات لازم جهت حفظ آلات، ادوات، آثار، عالیم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم اشاره شده است و قانون‌گذار در ماده ۴۴ قانون مذکور^۱، ضابطان را مکلف کرده است بهمختص اطلاع از وقوع جرم در جرایم غیرمشهود، مراتب را به دادستان اطلاع بدھند و سپس اقدامات لازم را با دستور ایشان انجام بدھند و در جرایم مشهود هر اقدامی که لازم به‌نظر می‌رسد، باید برای حفظ دلایل ارتکاب جرم و فرار متهم انجام بدھند. از این‌رو کوتاهی کردن در این زمینه یا فراهم کردن شرایط لازم برای فرار متهم یا منهدم کردن آلات و ادوات ارتکاب جرم کمک قابل توجهی است به تحقق جرایم علیه عدالت قضایی. بهمین خاطر است که قانون‌گذار خصمانت اجرایی برای شخصی که مرتکب چنین عملی می‌شود را در ماده ۵۵^۲ قانون مجازات اسلامی^۳ پیش‌بینی کرده است.

۳-۸-نقض حریم خصوصی شهروندان و احترام به حیثیت آنان
حق خلوت اشخاص و اصل تعریف ناپذیری حریم خصوصی آن‌ها ایجاب می‌کند که جز در ضرورت‌های مرتبط با اجرای عدالت قضایی، حریم خصوصی افراد مورد تعریف قرار نگیرد و حتی در این موارد ضروری هم، ضوابط و تشریفات قانونی به دقت رعایت شود (هاشمی‌شاھرودی، ۱۳۸۶: ۳۳). امروزه رعایت حریم خصوصی از مباحثت بسیار مهم حقوقی است که کشورهای مختلف در قوانین خود به آن اهتمام ورزیده‌اند. البته در مورد مزهای آن بهویژه با توجه به نام‌گذاری عصر

۱- ماده ۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری جدید: «ضابطان دادگستری بهمختص اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف وأخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، عالیم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافضله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت کنند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

۲- ماده ۵۵^۴ قانون مجازات اسلامی: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهییه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

است. متخلف از این مقررات که بهنحوی شرایط و ضوابط عدالت قضایی را نادیده می‌گیرد، به مجازات مقرر در ماده ۶۳ قانون مذکور محکوم می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

عدالت قضایی، یعنی رعایت اصول و مقررات از لحظه کشف جرم تا مرحله اجرا و پس از آن، هم جهت تأمین و حفظ حقوق مکتبه اشخاص و هم جهت رسیدگی‌های منصفانه و ضابطه‌مند. بالطبع ضرورت عدالت و عدالت‌گستری به عنوان یکی از نیازهای جوامع تلقی شده و غالب دولتها هم با رعایت هرچه بهتر قوانین و پاییندی به اصول و موازین حقوق بشری سعی داشته‌اند در راستای برقراری آن تلاش کنند. طبیعی است که در این زمینه عده‌ای هم در داخل سیستم قضایی و هم خارج سیستم به‌دلایل متعدد به تحالف و تخطی آن قوانین پیردازند و بدین‌شکل با عدم رعایت قوانین، آن ارزش مقدس اجتماعی را زیرپا بگذارند و جلوی اجرای آن را بگیرند و در واقع در مسیر اجرای قوانین خلل ایجاد نمایند تا عدالت بهنحو دقیق اجرا نشده و بدین‌ نحو سبب تحقق جرایم علیه عدالت شوند. جرایم علیه عدالت قضایی در طبقه‌بندی سنتی حقوق کیفری اختصاصی جایگاهی ندارند و جزء حقوق جزای خاص (فنی) هستند و این قابلیت را دارند که مسیر اجرای عدالت توسط مجریان قانون را منحرف سازند.

مرحله کشف جرم یکی از مراحل مهم و کلیدی در رسیدگی‌های کیفری به‌شمار می‌آید که دقت و موشکافی در این مرحله مهم و با ارزش تلقی می‌شود؛ چراکه سستی و اغماض در آن موجب عدم کشف قضیه و بزه شده و همین مسئله سبب تحقق جرایم عدالت قضایی می‌شوند. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ هرگونه رفتاری را در مرحله کشف جرم چه از سوی ضابطان دادگستری، مقامات قضایی، سایر اشخاص و مراجع دیگر که موجب اخلال در اجرای عدالت قضایی می‌شود به عنوان مصاديقی از آن شناخته و اغلب ضمانت اجرایی آن‌ها را در ماده ۶۳ خود معین کرده است.

به‌نظر می‌رسد که دلیل جرم‌انگاری این قبیل رفتارها از سوی قانون‌گذار در قانون جدید آئین دادرسی کیفری و آن هم در مرحله کشف جرم این باشد که به اهمیت این مرحله اشاره نماید و محرز کند که زیربنای شروع و رسیدگی به یک بزه و پرونده از مرحله کشف جرم آغاز می‌شود. از این‌رو در این زمینه هر چقدر دقیق و حساس باشیم، به‌همان اندازه امکان تحقق

بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری نمایند. تخلف از این موارد با مجازات ماده ۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری رو به رو خواهد شد. از طرف دیگر مقتن در قانون مجازات اسلامی اصل را بر رعایت حریم خصوصی اشخاص قرار داده است و نقض آن را مشمول ماده ۵۸۰^۱ قانون مذکور قرار داده است.

۳-۹- شماره‌گذاری نکردن اوراق بازجویی و سایر مدارک موجود در پرونده

یکی دیگر از مواردی که در قانون آئین دادرسی کیفری جدید به آن اشاره شده است، مسئله شماره‌گذاری اوراق موجود در پرونده می‌باشد که این اوراق هم می‌تواند برگه‌های بازجویی باشد و هم مدارک تحويلی از سوی شاکی و یا متهم جهت اثبات بی‌گناهی خویش؛ چراکه خیلی از اوقات یک برگ می‌تواند نتیجه‌دادرسی را به نفع یکی از طرفین دعوا تغییر دهد. به‌هرحال ارتکاب چنین عملی، عمدی و با سوءیت می‌تواند سبب مختل کردن جریان دادرسی شود و جرم علیه عدالت قضایی تحقیق پیدا کند و مرتكب چنین عملی وفق ماده ۶۳ به مجازات قانونی خواهد رسید.

۳-۱۰- عدم تفهیم مكتوب حقوق مندرج در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

قانون‌گذار در ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری جدید^۲ اظهار داشته است اگر شخصی در راستای کشف جرم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان مکلفاند تمام حقوق مندرج در این قانون را به صورت مكتوب به وی تفهیم و رسید دریافت کنند و خمیمه پرونده شود. این ماده یکی از نوآوری‌های قانون جدید می‌باشد که در راستای برقراری دادرسی عادلانه و اجرای عدالت قضایی

۱- ماده ۵۸۰- هریک از مستخدمان و مأموران قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک‌ماه تا یک‌سال محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتكب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود، مرتكب یا امر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

۲- ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند تمام حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مكتوب در اختیار وی قرار دهنده و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

- پروینی، علی (۱۳۸۸). «جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی». پیام آموزش. (۴۰): ۳۵-۲۱.
- ذاکر، حمید (۱۳۹۱). «بند ۱ ماده ۱۱ قانون شوراهما و تأثیر آن بر توسعه عدالت قضایی». تعالیٰ حقوق. سال چهارم، (۱۷-۱۶): ۱۷۷-۱۶۵.
- رحمتی، حسین (۱۳۸۴). حقوق شهروندی. چاپ اول. قم: نشر نگین.
- رضوی، محمد و خزایی، سیدعلی (۱۳۸۶). «حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم». فصلنامه دانش انتظامی. سال نهم. (۶): ۸۵-۱۰۸.
- کوشان، جعفر (۱۳۸۱). جرایم علیه عدالت قضایی. تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۵). «کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه». نشریه حق. دوره پنجم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). حقوق جزای اختصاصی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، فرید (۱۳۸۶). «گفتمان سیاست جنایی قانون گذار در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳». مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- مظاہری تهرانی، مسعود (۱۳۸۸). «جایگاه اصل برائت در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». پیام آموزش. (۳۷): ۱۱۳-۹۹.
- هاشمی‌شاھرودي، آیت‌الله سیدمحمد (۱۳۸۶). «شهروندمحوری در عرصه عدالت دکترین آیت‌الله هاشمی‌شاھرودي». مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.

دادرسی عادلانه وجود دارد. بنابراین نمی‌توان نسبت به مرحله کشف جرم بی‌اعتباً بود، بنابراین رعایت ضوابط، شرایط و مقررات قانونی در این مرحله اگر بیشتر از سایر مراحل نباشد، حداقل با آن هم‌طرازی می‌کند و چهبسا زمینه تحقق بسیاری از جرایم علیه عدالت قضایی هم در این مرحله شکل بگیرد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسنده‌گان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسنده‌گان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). آئین دادرسی کیفری. جلد نخست. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آشوری، محمد (۱۳۷۲). «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. (۲۹): ۷۲-۳۹.

- اردبیلی، محمدمعلی (۱۳۸۵). «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام». مجله تحقیقات حقوقی. (۴۳): ۹۴-۵۹.

اعتدال، محمد (۱۳۷۷). آئین دادرسی کیفری در نظام نوین قضایی ایران. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

- باقری نسب، تکم (۱۳۹۳). حق متهم در برخورداری از وکیل براساس نواوری‌های قانون آئین دادرسی جدید، ایهامت قانونی و خلاصه‌ای اجرایی آن. قابل دسترسی در سایت: www.vekalat.org

- بیگی، جمال (۱۳۹۹). تقریرات درس حقوق کیفری اختصاصی یک. دوره دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

- پاشاصالح، علی (۱۳۸۳). سرگذشت قانون (صیاحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.



Volume 3, Issue 3, 2022

Crimes against Judicial Justice in the Criminal Procedure Code 2013 (Case Study: Stage of Crime Discovery)

Ebrahim Ghorbani^{1*}, Sajad Abasi², Ali Ebrahimi Agbolag³

1. Ph.D of Criminal Law and Criminology.

2. M.A in Private law, Prosecutor of Mahabad Military Prosecutor Office.

3. M.A in Private Law.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-61

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-4303-787X

TELL: 098 9144442440

Email: ghorbani9@yahoo.com

Article history:

Received: 1 Jul 2022

Revised: 25 Agu 2022

Accepted: 20 Sep 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Judicial Justice, Criminal Procedure Law 2013, Crime Detection, Justice.

ABSTRACT

one of the common aspirations and humanity, justice and justness. That justice cannot claim in line with different proceedings, judicial authorities, waiting for the realization of it. a fair trial and fair treatment of the official and judicial authorities in no way means considering litigants and the leniency irrational and rational charged with a crime or not seen , but also means that society in this limit the ability of rationality and that the ultimate goal of the final and the approval of the legislation ,which is the creation of the Justice and Development and protect the rights of the pleadings , understands and refused to yield of ignoring the rights of the parties that are meant to follow the trial of unfair,don't .Obviously any action which was intended to disrupt the process of implementation of the judicial justice and the capability to the realization of justice or corruption trial, is considered a crime against justice of the present study suggests that although Iranian legislators , as well as other criminal code in the criminal procedure code adopted by the 1392 to accurately , explicit and independent of the crimes against justice , but did not name is studying the law can be in various stages of handling - including the crime - discovery phase .Bob parable of May-power to the principle of innocence, the principle of timely awareness of evidence of alleged charges,accused the right of access to lawyers, privacy citizens and respect for their dignity and pointed out.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Ghorbani, E; Abasi, S & Ebrahimi Agbolag, A (2022). "Crimes against Judicial Justice in the Criminal Procedure Code 2013 (Case Study: Stage of Crime Discovery)". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(3): 53-61.